

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire- Literary

طنز - ادبی

دیپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین - ۷ جولای ۲۰۱۴

مزاق ماه رمضان

ماه روزه پارسال بود که روزی چند در همبورگ بودم و دیدار دوست نازنین و دوستداشتنیم، شاعر وارسته الحاج ناظم صاحب باختری، میسر گشت. باهم در رستورانی نشسته و ضمن صحبت‌های شیرین به مشاعره پرداخته و نشیده ای مشترکی را با مطلع ذیل سرودیم:

در ماه روزه نیز بسی بیر میخوریم
این آب ستره را به صف شیر میخوریم

یاد آن لحظات خوش به خیر؛ و یاد همه لحظات شیرینی که از عمر گذشته و دگر پس نمی آید. در شهر زیبای برلین، به مانند همه شهرهای دیگر این سرزمین، چند روز در هفته، روز بازار است. و مراد از "روز بازار" آن که تعدادی از فروشندگان سیار در منطقه معین و همیشگی جمع میشوند، و خریداران هم بدان سو میشتابند و بازار خرید و فروش چوک میگردد. در اکثر این بازارها بیشترین فروشندگان را ترکها تشکیل میدهند، که با متاعهای تازه و تر از میوه و ترکاری با قیمتهای مناسب، زنگ از دل بنگ میکنند. شیوه خاص و مهارتی که ترکان در عرضه مواد دارند، مردم بسیار را بدانجا میکشاند؛ از المانی گرفته تا خارجی و ترک و تتر و هندو و مسلمان و گبر و ترسا. محیط نیمه شرقی و نیمه غربی بازار و جمع و جوش و گدودی و تیله و تمبه و عدم رعایت آداب معمول معاشرت، بسیار جالب و لایق دیدن است؛ خصوصاً برای آنانی که چون من از این قدر اصول و مقررات و ضوابط و قوانین و قواعد جامعه المان به بینی رسیده اند.

پریروز، روز شنبه، هم با استفاده از هوای گوارای تابستانی بایسکل لقه ام را سوار شده، هی میدان و طی میدان گفته به بازار همیشگی رفتیم. این طرف و آن طرف سرگردان می‌گشتم و نرخها را مقایسه می‌کردم؛ که گفته اند:

"سیلام سیل اس و سرگردانیام سیل!!!"

(سیل هم سیل است و سرگردانی هم سیل!!!)

دم غرفه میوه فروشی بایستادم. سه چار نفر مرد ریشدار و بی ریش مشغول بیع و بقاله بودند. شخص کهنسالی که گوئی از چهره اش نور مسلمانی میباید، آمد و به رسم چشک یک دانه آلبالو را در دهن برد. خریدار پهلو که معلوم میشد مسلمان است، اخم بر جبین برده و نگاه زننده و گزنده ای به پیره مرد افگند. پیره مرد هم که معلوم میشد آدم زنده دل و باشعوری ست، خوب متوجه چپ چپ سیل کردن آن جوانک گردیده و از وی علت را پرسید. جوانک که غافلگیر شده بود، بهانه ای تراشیده گفت:

"هر وقتی که مرد ریش سفید و نورانی مثل شما را میبینم، نگاهی بدو می افکنم."

ریش سفید در حالی که جواب جوان قانعش نساخته بود، گفت:

«نه خیر عزیزم؛ "بدب سیل کردن" شما دلیل دیگری باید داشته باشد و مثل اینست که شما باید روزه داشته باشید.»

جوان گفت؛ بلی روزه دارم.

پیرمرد گفت، حالا دلیل را فهمیدم و آن را برایتان میگویم؛ گفت:

«دلیل نگاه تند و اخمه رویانه شما اینست، که شما فکر کرده اید من مثل شما مسلمان هستم و باید روزه داشته باشم و چون متعجب شده اید، که کسی در سن و سال من بر اعلی روزه میخورد، چنین عکس العملی را از خود نشان دادید.»

و بعد با لحنی ملایم و اندرزگویا به جوان گفت:

اگر روزه گرفتن باعث عصبیت و عدم تحمل شما گردد، بهتر است روز نگیرید!!!

تذکرات:

- "مزاق" تلفظ گفتاری از کلمه عربی "مزاح" است. در شرح این کلمه و چند کلمه همقراغش، ضمن یکی از مضامینم که در آرشیف بنده قابل دستیاب میباشد، به تفصیل نگاشته ام. در فارسی

ایران "مزاق" را با کلمه "شوخی" تعبیر میکنند، که مغایر "شوخی" در زبان دری است. بزرگان قدیم شعر و ادب فارسی ایران چون حضرت سعدی مگر "شوخی" را در همان مفهومی که ما مردم آن را به کار میبریم؛ یعنی مطابق اصل، استعمال کرده اند. متأسفانه که بعض هموطنان متفّن و جدیدخیال ما نیز "شوخی" در مفهوم ایرانی آن استعمال میکنند، که واقعاً جای تعجب و تأثر و تحسر است!!!!

- "سَیَل" تلفظ گفتاری از کلمه "سَیَر" عربی است. "سَیَر" اصلاً در معنای "حرکت کردن" است، چنان که صیغه مبالغه آن "سَیَار" و "سَیَّارَه" در معنای "بسیار سیر کننده" یا "همیشه در تحرک" میباشد. در زبان دری از زمانهای قدیم و از زمانی که عُنصری و فرخی و منوچهری و امثالشان بساط شعر و ادب را تا علین اعلی پهن کرده بودند، "سَیَّارَه" برای ستاره های متحرک استعمال شده است. "سَیَّارَه" و جمع آن "سَیَّارات" از دروس جغرافیا در مقابل "ثابته" و جمعش "ثوابت" به یاد ما مانده است. در زبان عربی مگر امروز از "سَیَّارَه" مدلول "موتور" یا "آتموبیل" را میگیرند. و در باب شأن نزول "سَیَل":

چون ضمن "سَیَر" (حرکت کردن)، محیط و اشیای ماحول هم دیده شده و به نظر انسان متحرک میرسد، "سَیَر" (سَیَل) در زبان ما مفهوم "دیدن" و "تماشا کردن" را گرفته است - جانشین شدن مفهوم ضمنی در عوض مفهوم اصلی. چنین تعویض مفهومی را مثلاً در لغت "تمییز" در فارسی ایران نیز مشاهده میکنیم. کلمه "تمییز" اصلاً معنای "جدا کردن" را میدهد، که در تداول فارسی ایران در معنای ضمنی "پاک و سُتره" استعمال میگردد.

* - کل آن نشیده مشترک ضمن مضمون "دیدار دوست در ماه روزه" در صفحه مؤرخ ۲۷ جولای پارسال پورتال به منتشر گشته است.